

مقالات



سیاست‌های ارزی، سیاست‌های پولی، تورم و سود بانکی بخش اول

فریدون رستمی*

نیازماییم. از اینرو، کارکرد سیاست‌های ارزی و پولی کشور و پیامدهای آنها بر متغیرهای اقتصادی به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست‌های ارزی

سیاست‌های ارزی در کشور از نوع انعطاف‌پذیر مدیریت شده تعریف شده است (۲) که در عمل، محدوده انعطاف آن بسیار کم می‌باشد تا جاییکه می‌توان آن را نظام ارزی نرخ ثابت دانست و اینکه ثبات در نرخ ارز خارجی در چند سال اخیر خود گویای همین امر است و تغییرات در نرخ برخی ارزها در برابر ریال بیشتر نشانگر تغییر نرخ ارزهای بین‌المللی است.

اما از دیگر سو، یکی از دلایل بکارگیری سیاست‌های ارزی انعطاف‌پذیر تنظیم خودکار جریان عرضه و تقاضای ارز خارجی توسط بازار است. یعنی هر زمان عرضه ارز خارجی افزایش یابد، نرخ ارز در شرایط عدم افزایش عرضه پول کاهش یافته و در بازار ارز تعادل ایجاد می‌شود. هر زمان نیز عرضه پول افزایش یابد، در شرایط عدم تغییر عرضه ارز، نرخ ارز خارجی افزایش می‌یابد. بنابراین در

می‌شود. این امر با برقراری همزمان تعادل در همه بازارها (کار، سرمایه، ارز، کالا و...) تحقق می‌یابد.

اگر به هر دلیل بازاری از تعادل خارج شود، بازارهای دیگر نیز بسته به میزان اثرپذیری خود از آن بازار از تعادل خارج می‌شوند. پس وقتیکه مقامات اقتصادی با هر هدفی در کارکرد یک بازار مداخله می‌کنند، بازارهای دیگر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند. شاید به این دلیل است که حضور دولت امروزه در اقتصاد از راه مداخله در کارکرد سازمان‌های گوناگون رو به افزایش است چرا که با دخالت در یک بازار (برای نمونه بازار کار) به این نتیجه رسیده است که در بازارهای دیگر نیز دخالت کند. پیامد منطقی این دخالت‌ها به کنترل درآوردن همه بخش‌های اقتصاد از جمله بخش کشاورزی در دورترین روستاها خواهد بود، اینکه کارکرد دولت دقیقاً به چه صورتی خواهد بود، البته پس از گذر زمان و در آینده آشکار خواهد شد.

گذشته از چگونگی مداخله دولت در اقتصاد، جا دارد برخی ملاحظات مورد نظر قرار گیرد؛ به امید آنکه آزموده را دگر بار

پیشگفتار

سیاست‌های ارزی، پولی و دیگر سیاست‌ها، اجزای سیاست اقتصادی هستند. سیاست اقتصادی به نوبه خود عبارت است از دخل و تصرف آگاهانه دولت در برخی ابزارها برای نیل به هدف‌های اقتصادی (۱). منظور از نیل به هدف‌های اقتصادی ایجاد تعادل در اقتصاد به منظور استفاده و توزیع بهینه منابع یا به بیان دیگر، برقراری تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل در اقتصاد کشور است.

بنابراین، زمانیکه از سیاست‌های ارزی صحبت می‌کنیم، هدف ایجاد تعادل در بازار ارز است که خود می‌باید در جهت ایجاد تعادل کلی در اقتصاد باشد. یا اگر سیاست پولی را مورد نظر قرار می‌دهیم، هدف برقراری تعادل بین عرضه و تقاضا برای پول می‌باشد که آن‌هم باید در راستای هدف‌های اقتصاد کلان و برای برقراری تعادل کل در اقتصاد باشد.

ایجاد تعادل در اقتصاد موجب دستیابی به هدف‌های کلان اقتصادی همچون ثبات مورد نظر در قیمت‌ها و دیگر متغیرهای اقتصادی شده و موجب بکارگیری کامل همه عوامل تولید از جمله نیروی کار

شرایط گوناگون نرخ ارز در جهات مناسب تغییر کرده و تعادل در بازار ارز ایجاد می شود. حال اگر میزان تغییرات تحت کنترل بوده ولی بسنده نباشد، بدیهی است که در بازار ارز تعادل ایجاد نمی شود و بنابراین پیامدهایی برای دیگر بازارها / بخش های اقتصادی نیز خواهد داشت.

برای نمونه افزایش نرخ ارز (گران شدن ارز خارجی) در شرایط معمول موجب افزایش صادرات و کاهش واردات می شود و برعکس؛ و در نتیجه سیاست تجاری را تحت تاثیر قرار می دهد. در این زمینه کفایت به گفتگوهای کارشناسان و مدیران در دوران پیش از تعدیل اشاره کرد که همگی یکی از دلایل افت تولید را ریال بسیار قوی (در حدود ۸۰ ریال در برابر دلار) عنوان می کردند و پس از انجام تعدیل و شناوری محدود نرخ ارز، نه تنها بازار ارز به تعادل نسبی رسید، بلکه صادرات غیر نفتی به شدت افزایش یافت و اگر بخشنامه مورخ ۱۳۷۴/۲/۲۹ ستاد تنظیم بازار صادر نمی شد، هم اکنون نه تنها ارزش صادرات غیرنفتی به سطحی بیشتر از امروز رسیده بود بلکه نیاز به صادرات نفت خام و تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد برای تامین تقاضا و به اصطلاح ایجاد اشتغال ضرورت نمی یافت.

بطور کلی، بازار ارز نامتعادل بر تراز پرداختها موثر می افتد و در نتیجه میل به واردات یا میل به صادرات را تحت تاثیر قرار می دهد. در صورت ارزان شدن ارز خارجی میل به واردات افزایش می یابد و در نتیجه تولید خارجی و به تبع آن، اشتغال در خارج جایگزین تولید داخلی و به تبع آن اشتغال در داخل می شود و بر عکس؛ امری که هم اکنون اقتصاد کشور دچار آن شده است و اگر جواز صادراتی نتواند از پیچ و خم دالانهای اداری به دست صادرکننده برسد، باید در انتظار افت نسبی صادرات واقعی (صادراتی که انتقال سرمایه به حساب نیاید و عواید آن به کشور برگردد) در آینده نیز بود.

حال اگر سیاست دولت افزایش تولید و اشتغال در داخل کشور و همچنین افزایش صادرات باشد، می باید میل به واردات را کاهش و میل به صادرات را افزایش دهد. میل به واردات یا صادرات (میل نهایی) عبارت است از تغییر نسبت درآمد ملی / درآمد ارزی به میزان واردات، یا صادرات.

سیاست های پولی

سیاست پولی کنترل متغیرهای پولی را مورد نظر دارد. سیاست های پولی به منظور مهار حجم پول و برابری آن با تقاضا برای پول و در جهت اثرگذاری بر متغیرهای

**استقراض از بخش غیر بانکی
تورم را نخواهد بود ولی نرخ
سود مورد انتظار اوراق قرضه
می باید بیشتر از نرخ تورم
باشد. بنابراین می توان عرضه
پول را از راه کنترل بودجه
دولت و شرکت های
دولتی (بخش عمومی)
تنظیم کرد.**

اقتصادی همچون افزایش قیمت ها در سطح دلخواه است تا تولیدکنندگان و مصرف کنندگان با اطمینان از سطح قیمت ها رفتارهای تولیدی و مصرفی خود را برنامه ریزی کنند. این امر بیشتر از آن نظر با اهمیت است که پول تقاضای انباشته شده است و در هر حال، باید بتوان آن را به کالا و خدمت مورد نظر تبدیل کرد، چرا که در غیر این صورت مصرف کنندگان به ابزارهای دیگری برای معاملات روی می آورند و یا رفتارهای مصرفی خود را تغییر می دهند که به نوبه خود توزیع بهینه منابع را تغییر و ممکن است آن را به صورتی هدایت کنند که بهینه نباشد و در میان یا بلندمدت آسیب های فراوانی از جمله کارایی و

بهره وری پایین و کاهش قدرت اقتصادی کشور را به دنبال داشته باشد.

افزون بر این، عدم اعتماد به پول ملی دولت را از نظارت بر فعالیت های مردم باز می دارد و اگر این فرایند ادامه یابد، مردم ابزارهای دیگری را جایگزین پول کرده و در نتیجه پدیده فرار از پول رخ می دهد^(۳). بنابراین هدف از سیاست پولی اعمال کنترل های مورد نظر در کشور است و با سیاست های مالی که از راه مالیات بندی یا یارانه پردازی اعمال می شود، قابل مقایسه است.

با اینکه سیاست های مالی و پولی را می توان به صورت جدا در راستای دسترسی به هدف های اقتصادی بکار بست ولی دولت ها این دو را در هماهنگی با یکدیگر (و دیگر سیاست ها همچون سیاست بازرگانی یا ارزی) بکار می بندند. این امر از آن روست که هر یک از این سیاست ها می تواند بر دیگری موثر باشد. برای نمونه، عرضه پول بی پشتوانه و چاپ پول نه تنها قدرت خرید را از مردم (بخش خصوصی) به دولت منتقل می کند بلکه بطور غیر مستقیم موجب پرداخت یارانه به گروه های دارا و وضع مالیات بر دارندگان درآمد های ثابت و مزد و حقوق بگیران می شود و بر عکس. پس سیاست های تورم انگیز به نفع دارندگان دارایی های ثابت و سیاست های تورم زدا به نفع مزد و حقوق بگیران و دهک های در آمدی پایین است. این امر خود ضرورت مهار تورم را نشان می دهد.

کنترل پایه پولی، کنترل نرخ سود بانکی و کنترل وامدهی بانکها از ابزارهای اصلی کنترل پولی می باشند. ولی از آنجاییکه در یک اقتصاد دارای نرخ بالای تورم و نرخ ارز نسبتا ثابت، سیاست های قیمتی همچون اثرگذاری بر نرخ بهره، موثر نیست، در این شرایط که منطبق بر شرایط کنونی اقتصاد ایران است، می باید متغیر های چندی همچون عرضه پول و اعتبارات (وامدهی) بانکی را کنترل کرد.

کنترل وامدهی بانکها

بانکها بنگاههایی هستند که بیشتر به واسطه گری مالی می پردازند. آنها از یک سو منابع مالی (پول) را از دارندگان آن گردآوری و از سوی دیگر، آن را در اختیار متقاضیان آن قرار می دهند. برای انجام این امر، البته بانکها بناچار می باید از وام گیرندگان سود پرداخت تسهیلات را دریافت و به پس انداز کنندگان سود سپرده گذاری بپردازند. بدیهی است تفاوت بین این دو نرخ می باید هزینه های بانکها را جبران و سودی نیز برای آنها به همراه داشته باشد. چنانچه به هر دلیلی نرخ سود بانکی نتواند موجب ایجاد تعادل در بازار پول شود، رفتارهای متفاوتی را شاهد خواهیم بود، از آن جمله رفتار بانکها. اگر نرخ سود در سطح مورد نظر واسطه گری های مالی تنظیم نشود، باید منتظر افزایش دارایی های فیزیکی بانکها همچون خرید و ساخت ساختمان، مشارکت در طرح های سرمایه گذاری و غیره بود که خود به بیرون راندن سرمایه گذاران دارای دانش لازم از بازار سرمایه گذاری صنعتی و ساختمانی و جز اینها می شود.

اندازه نرخ سود پرداختی یا دریافتی عمدتاً متأثر از نرخ تورم است و هرچه نرخ تورم بیشتر باشد، نرخ سود در بانکها نیز بالاتر است و برعکس، چرا که سپرده گذاران و وام گیرندگان به بازده پول به عنوان نماد سرمایه حقیقی می نگرند و اگر سود دریافتی یا پرداختی قابل مقایسه یا بازگشت به دیگر اقسام سرمایه ای / هزینه دیگر منابع تامین اعتبار باشد، در بانکها سپرده گذاری یا از آنها اعتبار / وام دریافت می کنند. در غیر این صورت پول را به دیگر ابزارهای انباشت سرمایه و حفظ ارزش همچون فلزات قیمتی، ارز خارجی، زمین، مستغلات و... تبدیل می کنند، یا آنکه هر چه بیشتر کوشش می کنند تا از بانکها اعتبار دریافت کنند.

اما مبتنی کردن نرخ سود در بانکها به نرخ های رسمی تورم مشکل آفرین است چرا که اندازه گیری دقیق نرخ تورم توسط بانک مرکزی ممکن نیست^(۴). بنابراین نرخ بهره

ابزار مناسبی برای سیاست های اقتصادی در دوران تورمی نیست و معمولاً در دوران کساد و برای افزایش تقاضا بکار برده می شود، و اینکه اگر نرخ سود بانکی در سطح واقعی نباشد، موجب اثر ثروتی است که خود می تواند کارایی اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهد. با توجه به ثابت بودن نرخ های ارز خارجی، طلا و دیگر ابزارهای پس انداز و همچنین مداخله دولت در بیشتر بازارها از جمله بازار کار، سرمایه، دارایی و... می توان انتظار داشت که در شرایط تورمی سپرده گذاری که دچار توهم پولی نشده اند، هر چه بیشتر ارزش داخلی و سودهای بانکی را به ارز خارجی، طلا و دیگر ابزارهای حفظ ارزش پول تبدیل کرده و اگر تورم همچنان مهار نشدنی باشد، فرار از پول ملی رخ بدهد. کسانی که دچار توهم پولی هستند (بیشتر سپرده گذاران جزء و گروه های درآمدی پایین تر و کسانی که توانایی سرمایه گذاری ندارند) البته زیان خواهند دید.

بنابراین کنترل نرخ سود بانکها ابزار مناسب و موثری برای سیاست پولی در دوران تورمی نیست. پس لازم است از ابزاری دیگری چون کنترل وامدهی بانکها جهت مهار تورم استفاده کرد. اما اندازه وامدهی بانکها به اندازه عرضه پول وابسته است. بنابراین بجای کنترل از راه نرخ بهره در بانکها می باید به کنترل عرضه پول یا همان کنترل غیر قیمتی پرداخت.

کنترل پایه پولی

پایه پولی عبارت است از نیازهای مالی بخش عمومی منهای خالص فروش بدهی های دولت به بخش غیر بانکی بعلاوه خالص موازنه کل در تراز پرداختها.

کنترل پایه پولی به منظور کنترل نقدینگی انجام می شود. از آنجاییکه بیشترین بخش نقدینگی از انواع پول تشکیل می شود^(۵) و به شکل سپرده های گوناگون در بانکها نگهداری می شود، بنابراین چگونگی تولید نقدینگی با توجه به نقش بانکها در آن با اهمیت است.

نظر به اینکه در هر زمان بانکها می بایست تنها بخش کوچکی از سپرده ها را به صورت نقد (دارایی ذخیره) برای بازپرداخت به سپرده گذاران در بانک نگهداری و بقیه آن را می توانند به صورت وام یا اعتبار به متقاضیان واگذار کنند، وامدهی موجب تولید نقدینگی (قدرت خرید) می شود.

اینکه بانکها چه مقدار از سپرده های سپرده گذاران را به صورت ذخیره و چه مقدار آن را به وام یا اعتبار تبدیل می کنند؟ به نرخ ذخیره قانونی و برخی مواقع نرخ ذخیره احتیاطی که توسط بانک مرکزی مشخص می شود و همچنین رویه هر بانک بستگی دارد. از اینرو، اگر نرخ ذخیره برای نمونه ۲۰ درصد باشد، حجم نقدینگی توسط بانکها تا حدود چهار برابر سپرده گذاری مردم در بانکها افزایش می یابد. اگر این نرخ کمتر باشد، میزان نقدینگی ایجاد شده بیشتر خواهد بود و اگر بیشتر باشد، این میزان کمتر خواهد بود.

به هر رو، حجم نقدینگی به میزان مضرب ضریب فزاینده بانکی و پایه پولی (پول در گردش و مقدار ذخیره بانکها) بستگی دارد و بانک مرکزی از این ساز و کار برای کنترل نقدینگی استفاده می کند. اما پول چگونه ایجاد می شود؟

مقامات پولی مسوول عرضه پول به میزان مورد نیاز برای فعالیت در اقتصاد هستند ولی یکی از راه های منتهی به ایجاد پول، چاپ پول بدون پشتوانه است که در چند دهه پس از جنگ جهانی دوم در دنیا وبا توجه به سیاست کینزی پول اهمیت ندارد و برای افزایش تقاضا رواج داشته است که پیامد آن تورم افسار گسیخته در دنیا بود که در نهایت به فروپاشی نظام مالی جهانی مبتنی بر طلا انجامید.

این روش ایجاد پول ناشی از هر یک از عوامل تشکیل دهنده پایه پولی می باشد که کسری بودجه دولت و شرکت های دولتی از عوامل اصلی آن در ایران است. به عبارت دیگر، هر اندازه کسری بودجه دولت و کسری بودجه شرکت های دولتی از راه

فروش اوراق قرضه/ مشارکت به بخش غیر بانکی تامین نشود، به همان اندازه پول بدون پشتوانه چاپ می شود. از اینرو، استقراض از بخش غیر بانکی تورم را نخواهد بود ولی نرخ سود مورد انتظار اوراق قرضه می باید بیشتر از نرخ تورم باشد. بنابراین می توان عرضه پول را از راه کنترل بودجه دولت و شرکت‌های دولتی (بخش عمومی) تنظیم کرد.

راه دیگر ایجاد پول در کشورهایی همچون ایران که دارای اقتصاد نسبتاً بسته و حمایتی/کنترلی هستند، در تبدیل درآمدهای ارزی یا همان خالص تغییرات در موازنه پرداخت‌ها به ریال در بانک مرکزی است که نقش دولت در فروش ارز بارز است.

بنابراین ایجاد پول یا از راه تبدیل درآمدهای ارزی به ریال و یا از راه کسری بودجه دولت و بخش عمومی بدون استقراض از بخش غیر بانکی بوجود می آید زیرا وقتیکه ارز خارجی در بانک مرکزی به ریال تبدیل می‌شود، این ریال‌های ایجاد شده، هزینه می‌شوند و موجب افزایش پایه پولی و حجم پول گشته و بانک‌های کشور نیز به روش پیش گفته با ارایه وام موجب ایجاد پول/نقدینگی می‌شوند. البته بخشی از این پول ایجاد شده صرف خرید ارز شده و از گردونه خارج می‌شود، البته پس از افزایش حجم پول، بویژه در شرایطی که نرخ ارز تقریباً ثابت است. با مثال زیر می‌توان این گفته را گویا تر بیان کرد:

فرض کنیم ۱۰۰۰ ریال پول جدید از راه فروش ارز ناشی از فروش نفت یا کسری بودجه دولت / بخش عمومی ایجاد شده است. اگر ذخیره قانونی/ احتیاطی بانک مرکزی ۲۰ درصد باشد، این ۱۰۰۰ ریال موجب افزایش در حدود ۴۰۰۰ ریال در عرضه پول می‌شود که در نهایت، به درخواست کنندگان وام واگذار می‌شود. حال اگر نرخ وامدهی کمتر از نرخ تورم باشد، البته همه خواهان دریافت وام از بانک و تبدیل آن به ابزارهای مالی بهتر یا دارایی‌های فیزیکی می‌شوند و با این عمل ساده سودی

نصیب خود می‌کنند. بنابراین می‌توان تصور کرد که در چنین دوره ای فعالیت‌های سوداگرانه نیز گسترش یابد که کمتر در راستای تولیدگرایی است و افزایش سهم بخش خدمات در اقتصاد کشور و در مقایسه با بخش‌های صنعت و کشاورزی در چند دهه گذشته خود گویای آن است.^(۱)

باز هم فرض کنیم که دولت همزمان با فروش آن ۱۰۰۰ ریال نیاز به واردات به میزان ۵۰۰ ریال دارد. در اینجا اگر دولت نیمی از ارز خارجی را به ریال تبدیل کرده و نیم دیگر آن را به صورت ارز هزینه کند، میزان افزایش عرضه پول به جای ۴۰۰۰

**اگر بخشنامه مورخ
۱۳۷۴/۲/۲۹ ستاد تنظیم بازار
صادر نمی‌شد، هم اکنون نه تنها
ارزش صادرات غیرنفتی به
سطحی بیشتر از امروز رسیده
بود بلکه نیاز به صادرات نفت
خام و تزریق درآمدهای نفتی به
اقتصاد برای تامین تقاضا و
به اصطلاح ایجاد اشتغال
ضرورت نمی‌یافت.**

ریال، ۲۰۰۰ ریال خواهد بود. پس یکی از راه‌های جلوگیری از افزایش حجم پول عدم تبدیل همه درآمدهای ارزی به ریال است که خود نیازمند سیاست تخصیص ارز همچون دهه ۱۳۶۰ است. لازم به توضیح است که البته، به منظور تامین نقدینگی لازم در اقتصاد و بدون اتکا به تبدیل ارز به ریال، می‌توان مثلاً نرخ سپرده قانونی را تغییر داد و...

پیامد این امر عدم اتکا اجباری دولت به درآمدهای نفتی برای تامین هزینه‌های داخلی بودجه است که خود کاهش حجم دولت و انحلال شرکت‌های کم بازده و غیررقابتی بجز واحدهای استراتژیک را

بدنبال خواهد داشت و کمک شایانی در دستیابی به اهداف اصل ۴۴ می‌کند.

گفته بالا بیشتر در شرایط نرخ نسبتاً ثابت ارز همچون در کشور ما اهمیت دارد و در کشورهای دارای نظام ارزی کاملاً انعطاف‌پذیر به صورت دیگری کارکرد دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

آنچه که گفته شد، بررسی اجمالی و فشرده برخی چارچوب‌های نظری جنبه‌های مختلف کارکرد سیاست‌های ارزی و پولی در اقتصاد از جمله در کشور ما بود که نگارنده امیدوار است در فرصتی دیگر و پس از گردآوری آمارهای مورد نیاز، درست بودن آن را نشان دهد. نتیجه بررسی آتی نشان خواهد داد که نظریه مقداری پول در ایران مصداق داشته است یا خیر؟ در صورت مصداق داشتن نظریه مقداری پول، نگارنده امیدوار است با انجام تغییرات لازم در سیاست‌گذاری‌های پولی در کشور زمینه برای شکوفایی اقتصادی فراهم شود. در اینجا نتیجه گیری‌ها و پیشنهادهای زیر که در گفته‌های بالا مستتر است، ارایه می‌شود:

۱- سیاست‌های دولت به منظور رفع برخی نابسامانی‌های اقتصادی، دخالت هر چه بیشتر در اقتصاد را به همراه خواهد داشت که خلاف دستور العمل اصل ۴۴ و به زیان توسعه بخش خصوصی و در نهایت شکوفایی اقتصادی است.

۲- سیاست‌های ارزی می‌باید به صورت شناور بوده و در این راستا لازم است مقامات ارزی نسبت به کاهش تدریجی دخالت در بازار ارز بکوشند. یکی از پیامدهای این اقدام افزایش صادرات غیر نفتی واقعی است.

۳- به منظور پیشگیری از افزایش بی‌رویه حجم پول، اولین گام ایجاد سازوکار تخصیص ارز در بودجه دولت، یا همان تدوین بودجه ریالی و ارزی به صورت جداگانه برای مصارف دولت و بخش عمومی می‌باشد.^(۷) بخش خصوصی البته می‌باید از این قاعده مستثنا باشد و به روش جاری

نیازهای ارزی را تامین یا درآمدهای ارزی را هزینه کند.

۴- استفاده از ابزار نرخ سود بانکها در دوران کساد و کمبود تقاضا موثر است. در سالهای پس از جنگ (۱۳۶۸) سیاست افزایش حجم پول موجب ایجاد مشاغل جدید و رشد تولید ملی و تولید سرانه شد. اگر بخشنامه مورخ ۱۳۷۴/۲/۲۹ نیز صادر نمی شد و به نگرانیهای مورد نظر دولت به صورت دیگری توجه می شد، شاید امروز می توانستیم ادعا کنیم که زمینه های لازم برای افزایش هر چه بیشتر صادرات غیرنفتی نیز در همان زمان آماده شده بود. به هر رو و با توجه به تعیین نرخ سود بانکها و توجه دولت به دستیابی نرخ سود تک رقمی، یکی از راههای پیش رو تدوین بودجه ارزی و کاهش هزینه های ریالی دولت با کاهش تعداد کارکنان دولت و بخش عمومی بر پایه بازنشستگی پیش از موعد، بازخریدی و غیره است، حتی اگر این امر به معنی پرداخت همه حقوق و مزایای واقعی کارکنان تا چند سال پس از بازنشستگی باشد.

۵- تحدید واردات در سطحی که موجب رونق و رقابت پذیری تولید داخلی شود.

۶- اتخاذ و اعلام همزمان سیاستهای اقتصادی دولت به صورت بسته یکپارچه و با اجرای تدریجی و هماهنگ.

۷- توجه به شرایط اقتصادی کشور در اواسط دهه ۱۳۵۰ و بهینه سازی تصمیمات با توجه به تجربیات آن زمان^(۸).

* کارشناس اقتصادی و عضو انجمن اقتصاددانان

زیرنویس ها:

(۱) ن.ک.ب. دکتر منوچهر فرهنگ / فرهنگ علوم اقتصادی، انگلیسی- فارسی / چاپ هفتم / ویرایش جدید / نشر البرز / ۱۳۷۴،

(۲) ن.ک.ب. بانک مرکزی (۳) یکی از نمونه های بارز فرار از پول میل دارندگان در تبدیل آن به دارایی های فیزیکی از جمله مسکن و زمین است که پدیده شناخته شده ای در ایران بوده و افراد بدون دانش نظری اقتصاد نیز آن را با رفتارهای اقتصادی خود به خوبی نشان می دهند.

(۴) ن.ک.ب. مقاله نگارنده در هفته نامه شماره پنج آفاق بازرگانی ایران، مورخ دوشنبه ۱۳۸۶/۲/۱۰.

(۵) نسبت سپرده های سرمایه گذاری و دیداری در سال ۱۳۸۴ برابر با ۵۳ درصد نقدینگی بود.

(۶) کارکرد اقتصاد در کشور رفتار همچون فردی را می ماند که مثلاً ۴۵ ریال صرف تامین خدمات خرید کالایی به بهای ۵۵ ریال می کند و قیمت کالا ۱۰۰ ریال می شود

(به زبان دیگر، هزینه کردن ۴۵ ریال برای تحویل کالایی به ارزش ۵۵ ریال از تولیدکننده به مصرف کننده). در صورتی که اگر مثلاً ۱۵ ریال هزینه خدمات خرید باشد، قیمت آن کالا ۷۰ ریال خواهد بود. این گستردگی بخش خدمات و سهم آن در اقتصاد ملی بازتاب اقتصاد مبتنی بر واسطه گری بیش از اندازه ناشی از بخش تولید نفت خام سرمایه بر است.

(۷) رییس کل وقت بانک مرکزی در ریاست جمهوری ششم عدم تبدیل همه درآمدهای ارزی به ریال را به صورت عمومی اعلام کرد ولی دستگاه های پولی کشور ظاهراً آن سیاست را به اجرا نگذاشتند. شاید یکی از نگرانی ها از عدم انجام این سیاست عدم اطمینان از تامین منابع ریالی مورد نیاز دولت بود، و اینکه باتوجه به ترکیب شورای پول و اعتبار که عمدتاً از مقامات سیاسی (نمایندگان مجلس و وزرا) هستند و دنبال تحقق اهداف کوتاه مدت، نتیجه هر سیاستی در شورا تنها افزایش اعتبار و گسترش حجم پول باشد. به امید روزی که ترکیب شورای پول و اعتبار از پشتیبانان منافع بلند مدت ملی باشد و نه منافع کوتاه مدت بخشی.

(۸) نگاه کنید به گزارش اولین کنگره انجمن اقتصاددانان ایران آبان ماه ۱۳۵۴.



پوزش و تصحیح

در ویژه نامه اردیبهشت سال جاری، در مقاله "تورم در کشور و آموزه های میلتون فریدمن" نوشته آقای فریدون رستمی دو مورد اشتباه رخ داده بود که بدینوسیله ضمن پوزش از خوانندگان گرامی و نویسنده محترم، اشتباهات مذکور بشرح زیر اصلاح می شود:

۱- صفحه ۶، سطر دوم متن اشاره، کلمه آبان صحیح است.

۲- جدول شماره ۲ در صفحه ۹ بشرح زیر اصلاح می گردد:

۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	*۱۳۸۵	
۲۷/۰	۱۵/۰	۱۹/۰	۲۰/۰	۲۹/۰	۲۹/۰	۳۰/۰	۲۶/۰	۳۰/۰	۴۰/۰	۵۰/۰	نقدینگی
-	-	۱۹/۴	۲۰/۱	۳۲/۲	۲۷/۱	۳۱/۹	۳۱/۷	۴۰/۰	۳۹/۳	۴۵/۰	شبه پول
**۲۰/۰	۱۷/۳	۲۰/۱	**۲۰/۱	۱۲/۰	۱۴/۰	۱۵/۳	۱۷/۴	۱۹/۹	**۱۲/۱	-	تورم
-	-۶/۱	۱/۳	-۱۲/۰	۱۳/۱	۲۵/۰	۲۴/۰	۱۹/۰	۳۳/۱	۱۲/۱	-	واردات گمرکی